

## الگوسازی تربیت سیاسی رسمی با رویکرد تربیت کنشگران آگاه و فعال سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

فرامرز نوید تبریزی ۱، مجید گل پرور ۲، مهدی حسینی باقری ۳

۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی (گرایش اندیشه سیاسی)، دانشکده علوم انسانی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. [faramarznavidi@gmail.com](mailto:faramarznavidi@gmail.com)

۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران (نویسنده مسئول). [majid.golparvar@gmail.com](mailto:majid.golparvar@gmail.com)

۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. [mehdi.hassanibakri@gmail.com](mailto:mehdi.hassanibakri@gmail.com)

### چکیده

پیچیدگی روز افزون عصر حاضر و تراکم مناسبات و رقابتهای سیاسی، از یک سو فهم این مناسبات بسیار پیچیده از طرف شهروندان و تصمیم گیران و رهبران را ضرورت بخشیده و از سوی دیگر بازنگری در الگوهای تربیت سیاسی رسمی و دستیابی به الگوهای نوین متناسب با تجارب تاریخی و موقعیت های خاص هر کشور از جانب دولتها را به منظور تربیت شهروندان، تصمیم سازان و رهبرانی آگاه و کنشگرانی فعال در عرصه های داخلی و بین المللی به امری حیاتی مبدل ساخته است. از این رو پژوهش حاضر در راستای دستیابی به الگوی متناسب با نیازهای سیاسی حال و آینده جمهوری اسلامی ایران کوششی است برای پاسخ دادن به این پرسش: «الگوی تربیت سیاسی متناسب با تجربه تاریخی و نیازهای حال و آینده ج.ا.ایران که منتج به تربیت کنشگران سیاسی آگاه و فعال گردد دارای چه مولفه ها و ویژگیهایی است؟» با استفاده از روش پدیدار شناسی و بکارگیری چارچوب نظری انتگرال. الگوی تربیت سیاسی حاصل از پژوهش حاضر با داشتن ویژگیهایی که می تواند بطور همزمان با نگاه از چهار منظر: عینی، ذهنی، بیناعینی و بیناذهنی به هدف مورد نظر دست یابد.

**کلید واژگان:** الگو سازی، تربیت سیاسی رسمی، کنشگری آگاهانه و فعال، انتگرال.



## مقدمه:

پیچیدگی روز افزون عصر حاضر و تراکم مناسبات و رقابتهای سیاسی، از یک سو فهم این مناسبات بسیار پیچیده از طرف شهروندان و تصمیم گیران و رهبران را ضرورت بخشیده و از سوی دیگر بازنگری در الگوهای تربیت سیاسی رسمی و دستیابی به الگوهای نوین متناسب با تجارب تاریخی و موقعیت های خاص هر کشور از جانب دولت‌ها را به منظور تربیت شهروندان، تصمیم سازان و رهبرانی آگاه و کنشگرانی فعال در عرصه های داخلی و بین المللی به امری حیاتی مبدل ساخته است. دغدغه تربیت سیاسی یکی از مباحث مهم اندیشه سیاسی است که همواره ذهن متفکران را از گذشته‌های دور به خود مشغول داشته است و امروزه نیز با رشد مادی و معنوی جوامع بشری اهمیتی روزافزون یافته است. زیرا تربیت سیاسی به عنوان فرایندی هدفمند جهت جلوگیری از انحراف و به هدر رفتن منابع مادی و انسانی بشمار می‌آید.

راهنمایی شایسته، بخشی اساسی از «تربیت سیاسی رسمی» در هر جامعه محسوب می‌شود. از این رو تبیین آن نیازمند آن است که مجموعه ای از گزاره‌های مدلل و مدون، چستی و چرایی و چگونگی آن را بر پایه فلسفه تربیتی خاص آن جامعه بر عهده گیرد تا هدایت، جهت دهی، تحول و اصلاح مداوم این بخش مهم از جریان تربیت با توجه و التزام به چنین مجموعه‌ای صورت پذیرد. تربیت سیاسی رسمی نظیر سایر پدیده‌های اجتماعی امری تاریخمند است که باید متناسب با مقتضیات زمان و مکان، تکوین و تحول یابد لذا الگوی نظری واحد و جهان شمولی از آن وجود ندارد. البته تصور نادرست وجود الگویی یگانه از تربیت رسمی سبب شده است تا الگوی نظری رایج در کشورهای غربی، در نظام‌های تربیتی دیگر جوامع جهان نیز مورد پذیرش قرار گیرد حال آنکه چنین الگویی از یک سو نمی‌تواند زمینه توسعه و تحول مناسبی را برای جوامع غیر غربی فراهم آورد و از دیگر سو موجب انقطاع این جوامع از پیشینه فرهنگی و تاریخی خود و انفعال فرهنگی آنها نسبت به فرهنگ مسلط جهانی خواهد شد. بنابراین می‌توان مدعی گردید که هر کشوری باید بر اساس مبنای فکری، پیشینه فرهنگی و فلسفه تربیتی خاص جامعه خویش، برای انواع تربیت سیاسی رسمی مدل و الگویی تدارک بیند که مبتنی بر مبانی فلسفی ویژه خود باشد و الگوهای نظری آن ریشه در جهانیابی آن فرهنگ داشته باشد و به پرسش اصلی الگوی تربیت سیاسی متناسب با تجربه تاریخی و نیازهای حال و آینده ج.ا.ایران که منتج به تربیت کنشگران سیاسی آگاه و فعال گردد و دارای چه مولفه‌ها و ویژگی‌هایی است پاسخ بدهد.

## ۱- پیشینه پژوهش:

سلحشوری، احمد و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره) نتیجه می‌گیرند که در نگاه امام خمینی (ره) موضوع سیاست، تربیت است و ایشان عمده‌ترین مؤلفه‌های تربیت سیاسی را توحید محوری، تزکیه محوری، اخلاق محوری و فطرت محوری می‌دانند. فوزی، یحیی و کریمی بیرانوند (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان نقش حکومت در تربیت: بررسی مقایسه‌ای دیدگاه افلاطون و امام خمینی (ره) به بررسی این موضوع پرداخته و ضمن واکاوی ریشه اختلاف این دو متفکر، این اختلاف را در سه عرصه برشمرده‌اند: مدل تربیت بر اساس دیدگاه افلاطون خطی در نظر گرفته می‌شود، در حالیکه مدل امام خمینی (ره) تکاملی است؛ به توجه به محتوای روند تربیتی، افلاطون احکام عقلی را کافی می‌داند، اما امام خمینی (ره) به عقل قلب، حس و وحی اشاره می‌کند؛ حاکم دانا کسی است که در صحنه عمل افلاطون وی را مسئول اصلی تربیت می‌داند، در عین زمان امام (ره) عوامل فردی، مدنی و حکومتی را تحت اراده الهی تأثیرگذار می‌داند.

رهنما، اکبر و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به بررسی تحلیلی مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از منظر امام (ع) در نهج‌البلاغه پرداخته‌اند و نهایتاً نتیجه گرفته‌اند که مبانی و اصول تربیت سیاسی اسلامی در نهج‌البلاغه احصاء شده است.

مقاله الگوی تربیت سیاسی از دیدگاه شهید مطهری (ره) (۱۳۹۵) تربیت سیاسی را در زمره برجسته‌ترین مشخصه‌های تربیتی افراد در جوامع در نظر می‌گیرد که با ورود قدرت سیاسی به عرصه‌های مختلف زندگی انسان‌ها در جوامع و تحت تأثیر قرار دادن انسان‌ها، برنامه‌ریزی خوبی باید برای دستیابی بهتر و صحیح‌تر به آن داشته باشیم. نظام‌ها و اندیشه‌های سیاسی مختلف در تلاش هستند تا با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های مختلف به این هدف حیاتی برسند تا افراد در جامعه همسو با اطلاع از جایگاه و نقش خود، در نظام سیاسی مدنظر خود نیز نقشی ایفا کنند. نویسندگان مقاله تربیت سیاسی: اهداف، سازوکارها و بایسته‌های روشی آن (۱۳۹۸) بر آن هستند که امروزه، فرآیند توسعه‌ی سیاسی مستلزم تربیت سیاسی و مدنی بخشی بوده و کلیدی‌ترین ره‌یافت به منظور تربیت شهروند می‌باشد که در راستای فراهم آوردن حاکمیت و وحدت ملی، ایفاگر نقشی بسیار مهم است. در همین راستا تحقیقی که آن‌ها انجام دادند به بررسی ماهیت تربیت سیاسی، اهداف و یافتن سازوکار و روش تربیت سیاسی مناسب در ایران مبادرت می‌ورزد.

مقاله بررسی مبانی نظری تربیت سیاسی و اجتماعی (۱۳۹۵) تربیت را یکی از اصلی‌ترین مباحثی که در

جوامع امروزی مطرح است بشمار می‌آورد؛ و بر آن است که تعلیم و تربیت به‌عنوان نیاز دیروز و امروز بشر درگذر زمان به شکل‌های مختلفی اعمال‌شده و انواع گوناگونی از جمله جسمانی، اخلاقی، روانی، اقتصادی، اجتماعی، دینی و سیاسی دارد. بحثی که نویسندگان به دنبال آن هستند مشخص نمودن مبنای نظری تربیت سیاسی و اجتماعی است. از این‌رو با بررسی تربیت سیاسی از منظر شهید مطهری، مشخص می‌نمایند که فطرت مهم‌ترین عامل در تربیت سیاسی دانش آموزان است. قرآن کریم نیز الگوی یک شهروند سیاسی را در شش اصل کلیدی می‌داند که عبارت‌اند از فطرت، عقلانیت، عدالت، کرامت، اختیار و مسئولیت. هدف از تربیت اجتماعی را جامعه‌پذیر کردن دانش آموزان بشمار آورده که در تحقق این مهم عوامل متعددی از جمله خانواده، گروه همسالان، رسانه‌ها و مهم‌تر از همه مدارس و معلمان را تأثیرگذار می‌دانند و ضمن تبیین نقش مدارس و معلمان در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان پیشنهادهایی در راستای تربیت بهتر سیاسی - اجتماعی دانش آموزان ارائه گردیده است.

در جمع‌بندی تحقیقات پیشین چنین مستفاد می‌گردد که موضوع تربیت سیاسی گرچه موردعلاقه و توجه محققین قرار دارد اما به نقش تربیت سیاسی متناسب با تجربه تاریخی و نیازهای حال و آینده ج.ا.ایران که منتج به تربیت کنشگران سیاسی آگاه و فعال گردد کمتر پرداخت شده است.

## مبنای نظری ۲-

از آنجا که تربیت سیاسی در عصر جدید با توجه به پیچیدگی‌های آن بر زندگی و رقابتهای سیاسی فهم این مناسبات را برای شهروندان و تصمیم‌گیرندگان ضرورت بخشیده و هر دولت، حکومت و ساختاری را مجاب می‌کند تا تعریفی از آن ارائه دهد که در بسیاری اوقات هم منازعه‌آمیز است. عده‌ایی آنرا زعمات و تدبیر اداره امور یک مردم دانسته‌اند. فرهنگ دهخدا واژه سیاست را به «حکم رانی، ریاست، اداره امور، تدبیر امور، مصلحت‌اندیشی، دوراندیشی» و غیره معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۸). و عده‌ایی از نظریه پردازان غربی مانند: فرانکل، ماکیاولی، بومر، نیچه و غیره، علم سیاست را «علم قدرت» دانسته‌اند و تدوین کلاسیک این تعریف به «موریس دورژ» بر می‌گردد (دورژ، ۱۳۷۷). عده‌ایی دیگر از نظریه پردازان غربی، نظریه فوق را تعدیل کرده و بیان داشته‌اند سیاست یعنی «علم دولت» و منظور علمی است که رفتار دولت را مورد بررسی و مورد مطالعه قرار می‌دهد (وینست، ۲۰: ۱۳۹۲). در حالیکه که دو گروه اول و دوم، یکی بر غایت و دیگری بر روند سیاست توجه دارند و دسته سوم غایت سیاست را موضوع سیاست نمی‌دانند و بعد

دیگری از آن توجه دارند. در حالیکه با توجه به ویژگیهای این پژوهش که نگاه همزمان از چهار منظر: رفتارهای فردی، نظامهای جمعی، تجارب ذهنی فردی و ارزشها و هنجارهای مشترک جمعی است می توان سه رویکرد ۱- کلاسیک، ۲- نگاه متجدد، ۳- نگاه فرهنگ اسلامی را از این چهار منظر مورد بررسی و مقایسه قرار داد تا به الگوی مورد بحث و استدلال این پژوهش که الگوی تربیت سیاسی رسمی با رویکرد تربیت کنشگران آگاه و فعال در ج.ا.ایران می باشد رسید در ادامه نگاهی اجمالی به این سه رویکرد گردیده که از چه منظری به دیدگاههای خود می پردازند.

#### - رویکرد کلاسیک

افلاطون از جمله اندیشمندانی است که در حوزه سیاست باب سخن را آغاز نمود و به شاگرد وی ارسطو نیز اشاره کرد، نخستین فیلسوف و متفکر دنیای باستان که با روشی مشخص، در موضوع سیاست نوشت (ردهد، ۱۳۷۵). آرای او در سه کتاب «جمهوریت»، «سیاستمدار»، «قوانین یا نوامیس» بیشتر متبلور است. افلاطون پس از پی ریزی شهر آرمانی خود به مسئله حاکم و زمامدار در این شهر می پردازد و معتقد است: «شهر خیالی او جزء با حاکمیت حاکم فیلسوف تحقق نمی پذیرد» (افلاطون، ۱۳۸۶: ۱۱۵). بنابراین از منظر چارک ها او تنها تواسته از یک منظر به این رویکرد نگاه کند. درونی - ذهنی - فردی. اما ارسطو موسس علوم سیاسی و همچنین مطالعه ترکیبی فلسفه و سیاست بود (ردهد، ۱۳۷۵). روش ارسطو برخلاف شیوه افلاطون، متکی بر مشاهده تجربی بود و هنگام تشریح سیاست عملی در بنیادکار خود بر تجربه گرایی تکیه دارد (پولادی، ۱۳۸۳). ارسطو نظریات خویش درباره سیاست را بیشتر در دو کتاب «سیاست» و «اخلاق نیکوماخوسی» ارائه داده است. بنابراین از منظر چارک ها او توانسته از منظر بیرونی - عینی - فردی به آن نگاه کند.

#### - رویکرد متجدد

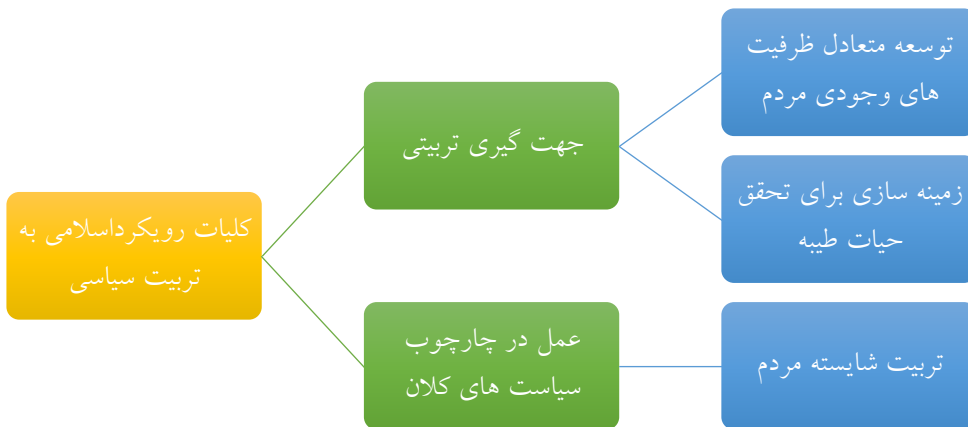
نیکولو ماکیاوولی نخستین اندیشمند برجسته ای است که تقریباً بهد از دو هزار سال پس از مرگ ارسطو به مفهوم اندیشه سیاسی جان تازه ای بخشید و موضوع دولت و قدرت را در چارچوب جدیدی مطرح کرد و بنیاد اندیشه جدید سیاسی را پی ریزی کرد و نظریه های سیاسی او عمدتاً در دو کتاب «گفتارها» و «شهریار» آمده است. در گفتارها، از جمهوری و ارزش ها دفاع می کند و در شهریار از چگونگی کسب و حفظ قدرت و ارزش های بنیادی امنیت (پولادی، ۱۳۸۳). از این رو وی به سبب تکوین دو نظریه «ناسیونالیسم» و جدایی «دین از سیاست» ادا کرده به گردن فلسفه سیاسی غرب حق بزرگی دارد (عنایت، ۱۳۸۱). بنابراین ماکیاوولی هم

تنها از منظر بیرونی - عینی - فردی به مسئله سیاست و تربیت نگاه کرده است. توماس هابز از روش منطقی و ریاضی برای پیشبرد نظریات خود بهره جسته و در تدوین نظریه های سیاسی، یک نوع آوری و ابداع برجسته در عرصه اندیشه های سیاسی غرب به حساب می آید و به رغم شیوه فلاسفه سیاسی گذشته مبنی بر چگونگی قدرت به چگونگی شناخت و ماهیت آن می پردازد (رانگ، ۱۹۸۸). تحلیل روان شناسانه و مادی او از سرشت و ماهیت انسان شبیه به دیدگاه ماکیاولی در کتاب شهریار است و به نظر او مهم ترین امیال انسان، تمایل شدید او به کسب قدرت و توانایی اوست، این میل تا زمانی که انسان زنده است با او همراهِ بوده و هیچ گاه وی را رها نمی کند زیرا از طریق به دست آوردن قدرت بیشتر است که می تواند خود را از جمیع خطرات و تهدیدات مصون دارد (هابز، ۱۳۸۰). لذا نظریات سیاسی او در رابطه با تربیت، منظرهای درونی - بیناذهنی - جمعی و، بیرونی - بیناعینی - جمعی پوشش می دهد و همچنین دیگر اندیشمندان فلسفه غرب به مانند جان لاک، روسو و ... که در رابطه با تربیت سیاسی نظریه پردازی کرده اند تنها از یک منظر و یا دو منظر که توانسته اند به این موضوع نظر بی افکنند به آن پرداخته است.

#### - رویکرد اسلامی

در ادامه با بررسی سیاست از رویکرد اسلامی از زوایه تاریخی، برخی اندیشمندان، تاریخ تاملات سیاسی در اسلام را به سه دوره تقسیم کرده اند: ۱- در دوره اول بیشترین تاملات سیاسی در مفاهیم علم کلام پایه ریزی می شود. بحث های بنیادین در خصوص، خلافت، امامت، ولایت، عدالت، جبر و آزادی و غیره که نمونه های بارز مباحث سیاسی قلمداد می شوند (شفیعی قهفرخی، ۱۳۹۰). ۲- دوره دوم که از غیبت کبری آغاز می شود، مباحث سیاسی در جریان تاملات عقلی و فلسفی رشد می کند (شفیعی قهفرخی، ۱۳۹۰). آشنایی مسلمانان با فلسفه یونان تاثیر قابل ملاحظه ای در تکوین اندیشه سیاسی در مبانی فلسفی می گذارد و با بهره گیری از مبانی عقلی و سنت های فلسفی یونان، مباحث عمده ای پیرامون معرفت سیاسی و ارائه مدینه ای فاضله در بخش حکمت عملی مطرح نمودند. فارابی، ابن مسکویه رازی، خواجه نظام الملک، ابن سینا، امام محمد غزالی خواجه نصیرالدین طوسی و غیره از متفکران این دوره اند. ۳- در دوره سوم مباحث سیاسی در قالب ابواب فقه مثل امر به معروف و نهی از منکر، باب جهاد، باب قضا، باب وکالت و دیگر ابواب تکوین یافته تکوین یافت که این دوره تقریباً از زمان حمله مغول به ایران (قرن ۷) آغاز می شود و تا قرن ۱۴ ادامه می یابد (شفیعی قهفرخی، ۱۳۹۰). بنابراین همانطور که در مباحث فوق در رابطه با رویکرد اسلامی بدان اشاره شد هر کدام از این دوره ها از یک و نهایتاً از دو منظر به سیاست و تربیت سیاسی پرداخته اند. به عنوان

مثال در دوره ی اول از نگاه و منظر بیرونی - عینی فردی به مباحثی چون خلافت، امامت ، عدالت و غیره پرداخته شده و در دوره دوم از دو منظر درونی - ذهنی - فردی و بیرونی - عینی - فردی به آن پرداخته شده و در آخر در دوره سوم از یک منظر بیرونی - عینی - فردی توانسته مناسبات خود را تکوین دهد. لذا الگوی تربیت سیاسی مورد نظر این پژوهش همانطور که در سطور فوق ذکر گردیده ویژگی هایی دارد تا با برخورداری از قابلیت های خود که در هم آمیختگی و یکپارچه سازی تمام چارک ها و مناظر آن می باشد بتواند الگوی تربیت سیاسی رسمی با رویکرد تربیت کنشگران آگاه و فعال در ج.ا.ایران در عصر و زمانه پیچده حاضر را فراهم سازد.



شکل: کلیات رویکرد اسلامی به تربیت سیاسی

جدول: قیاس رویکردها و نگاه با منظرهای چهارگانه

دیدگاه	اندیشمند	گزیده نظر	تبیین سیاست	چارک ها
کلاسیک	افلاطون	معتقد است مهم ترین کار در سیاست، تربیت فیلسوفان برای فرمانروایی است، به واقع فضیلت فردی با فضیلت سیاسی یکی است (ارسطو ۱۳۸۷).	تربیت	درونی - ذهنی - فردی
کلاسیک	ارسطو	معتقد است ، دولت یا دولت شهر برای تحقق بالاترین ظرفیت های وجودی انسان و برای سعادت پدید آمده است (ارسطو، ۱۳۷۸).	تربیت - دولت	بیرونی - عینی - فردی

مدرن	ماکیاولی	هدف عالی جامعه سیاسی در مصلحت، امنیت، سعادت توأم با قدرت در این جهان است. وی از چگونگی کسب و حفظ قدرت و ارزش های بنیادی امنیت دفاع می کند (پولادی، ۱۳۸۳).	قدرت	بیرونی - عینی - فردی
مدرن	هابز	با محور قراردادن مفهوم قدرت در حوزه علم سیاست به رغم شیوه فلاسفه سیاسی گذشته مبنی بر چگونگی قدرت و چگونگی شناخت و ماهیت آن می پردازد. یکی از مفاهیم مهمی که هابز در فلسفه خود طرح کرده است، «قرارداد اجتماعی» است. نظریه قرارداد اجتماعی به عنوان پایه و منشا دولت در برابر نظریه حقوق الهی پادشاهان قرار می گیرد (عنایت، ۱۳۸۱).	قدرت - دولت	درونی - بیناذهنی - جمعی و ، بیرونی - بیناعینی - جمعی
مدرن	لاک	اساس نظریه سیاسی لاک در مورد منشا تشکیل حکومت، قرار داد اجتماعی است (عالم، ۱۳۹۴).	دولت	درونی - بیناذهنی - جمعی
مدرن	روسو	از اندیشمندانی است نظریه حاکمیت مردم و اراده عمومی را که اکنون جزء ارکان دموکراسی است، تدوین کرد... مشارکت سیاسی را به منزله فعالیت فرایندی در خود - شکوفایی و خود - فرهیختگی فرد به شمار می آورد. (پولادی، ۱۳۸۳).	تربیت - دولت	درونی - بیناذهنی - جمعی و ، بیرونی - بیناعینی - جمعی
اسلامی	فارابی	غایت انسانها را سعادت و تحقق سعادت را در پرتوی سیاست حکیمانه دانسته است که در این صورت با حکمت ضروری میشود. وی بر این باور است که سیاست جزئی از علم مدنی است و کارکرد آن شناخت دولت و حکومت اسلامی است (الفارابی، ۱۴۰۵).	تربیت - دولت	درونی - بیناذهنی - جمعی و ، بیرونی - بیناعینی - جمعی
اسلامی	ابن سینا	از نظری مشارکت به مفهوم احساس تعهد تک تک انسان ها برای حضور فعال در اجتماع و مدینه و بر عهده گرفتن یک نقش ویژه می باشد که نتیجه آن تعاون معاوضه و معامله بوجود می آید (ابن سینا، ۱۳۷۹).	دولت مشروع	بیرونی - عینی - فردی و ، بیرونی - بیناعینی - جمعی
اسلامی	خواجه نظام	در سیاست نامه مزید تلاش و همت وی بر ایجاد و تثبیت یک حکومت متمرکز با ساختاری منظم و دقیق می باشد (نظام الملک، ۱۳۸۶).	قدرت - تربیت	درونی - ذهنی - فردی و ، بیرونی - عینی - فردی



اسلامی	امام خمینی (ره)	وی اهتمام اسلام به حکومت و روابط سیاسی و اقتصادی را نخست، فراهم آوردن شرایط لازم برای تربیت انسان مهذب و با فضیلت می داند؛ به این معنا که حکومت باید شرایط مساعدی برای تربیت انسان مومن فراهم آورد. حکومت اسلامی، اساسا دارای جهت گیری و کارکردی تربیتی است (امام خمینی، ۱۳۲۷).	تربیت - حکومت مشروع	درونی - بیناذهنی - جمعی و ، بیرونی - بیناعینی - جمعی
--------	-----------------	---	------------------------	--

با توجه به جدول فوق میتوان بررسی کرد که رویکردها توانایی چند وجهی و ادغام کنندگی ندارند و تنها توانسته اند از یک یا دو زاویه به موضوع اصلی که تربیت سیاسی می باشد دسترسی پیدا کنند و پدیده‌های مورد نظر را مورد شناسایی قرار دهند.

### ۳- پرسش اصلی

۳-۱- الگوی تربیت سیاسی متناسب با تجربه تاریخی و نیازهای حال و آینده ج.ا.ایران که منتج به تربیت کنشگران سیاسی آگاه و فعال گردد دارای چه مولفه‌ها و ویژگی‌هایی است؟

### ۴- روش پژوهش

پدیدار شناسی در پژوهش حاضر یک راهبرد تحقیق یا به عنوان یک نوع نگرش (مجموعه نظام خاصی که یک موضوع را در آن بتوان تحقیق کرد) مطرح است. این پژوهش به یاری روش پدیدار شناسی توصیف صریح و شناسایی پدیده‌ها را تصریح می کند. آنگونه که در موقعیت‌های خاص که در ادامه پژوهش به آن پرداخته می شود در چشم اندازه‌های مختلف از سوی افراد درک می شوند.

پدیدار شناسی به کسب فهم عمیق تری از ماهیت و معانی تجارب روزانه کمک می کند. پدیدارشناسی می پرسد این تجربه چیست و به چه می ماند؟ مفروضات تحت پژوهش پدیدارشناسی عبارت است از این که فرایند پیچیده‌ای از پدیده‌ها، ویژگی‌های شخصی و رفتارهای افراد مرتبط با پدیده مورد نظر و هر نوع مفاهیم دیگری در خصوص آن را می توان از راه تحلیل تجارب زندگی بهتر فهم نمود؛ و به نوعی بینش از طریق داده‌های گردآوری شده از مشارکت کنندگان در تحقیق دست یافت (نقیب زاده و فاضلی، ۱۳۸۵).

### ۵- چارچوب نظری:

چارچوب‌های نظری مختلفی وجود دارد که بتوان در پژوهش‌ها از آنها بهره برد تا تدوین یک پژوهش

مقبول از خطاهای کمتری برخوردار باشد. بدلیل مزیت روش انتگرال که در ادامه به آن می پردازیم از این چارچوب نظری در این پژوهش استفاده شده است.

تعریف کین ویلبر از «انتگرال»: واژه ای به معنای یکپارچه کردن و ادغام، کنار هم آوردن، پیوند دادن، متصل کردن و در برگرفتن است. نه بصورت همشکل کردن و نه بصورت یکسان سازی همه تفاوتها، رنگها و پیچ و خم های شگفت انگیز رنگین کمان رنگارنگ انسانی، بلکه بصورت یگانگی-در-چندگانگی، مشترکات در کنار تفاوتهای شگفت انگیز. و نه تنها در بین انسانها بلکه در کل کیهان: یافتن دیدگاهی جامع تر (نظریه ای برای همه چیز) که فضای مشترک مورد قبولی برای هنر، اخلاق، علم و دین ایجاد نماید و تلاشی صرف برای فروکاستن همه اینها به برش مورد علاقه کسی از کیک هستی نباشد. این در صورتی میسر است که ما بسوی گسترش چارچوب یکپارچه کننده ای قدم برداریم که به ما اجازه می دهد دعای شناختی را اتخاذ نماییم که در این چارچوب مشخص می شود، حقایق ناتمام آنها را یکپارچه سازیم و ادعاهای جزمی آنها را کنار بگذاریم. انتگرال فراپارادایمی است که آزمونهای واقعی یا احکام رفتاری را بدون رجحان یک نوع از احکام درهم می آمیزد. فراپارادایم است زیرا بطور آگاهانه ای روش های اصلی درک های موجود از علم را با هدایت سه اصل یکپارچه ساز زیر به هم پیوند می دهد. (گل پرور، ۱۳۹۶).

-اصل اول اصل عدم طرد: این اصل بیانگر این است دعای صدق معتبر هر پارادایم را می پذیرد، مشروط براینکه گزاره های بیان شده از طرف آنها، درباره پدیده هایی باشد که در همان پارادایم آشکار شده اند، نه وقتی که گزاره های صادر شده از طرف آن پارادایم درباره پدیده هایی است که توسط پارادایم های دیگر مقرر شده اند. در بنیانی ترین شکل خود، اصل عدم طرد پارادایم ها را از ایفای نقش بیرون از مرزهایشان برحذر می دارد. بعنوان مثال، علوم تفسیری از نوع فرائباتگرا، از صدور احکام درباره پدیده های مقرر شده با آزمون های علوم طبیعی، منع می شوند، مگر اینکه آزمون هایی را بکار گیرند که پدیده های طبیعی را آشکار نماید. (گل پرور، ۱۳۹۶).

-اصل دوم، اصل پوشش و در برگیرندگی: این اصل اشاره به این دارد که همه ی پارادایم ها صادق و کافی اند اما بعضی از آن ها، فراگیرتر یا کلی تر از پارادایم های دیگر اند. این امر موجب می شود بخشی از هر پارادایم صادق بوده و هیچ پارادایم تماما نادرستی در کار نباشد. اصل پوشش و در برگیرندگی اجازه تخطی از اصل عدم طرد را نمی دهد، به این دلیل که این اصل تنها در مورد پدیده های همان جریان پارادایمی بکار گرفته می شود. (گل پرور، ۱۳۹۶).

- اصل سوم، اصل تقرر و تصویب: داوری ها و احکام متقابل پارادایمی، بر اساس این اصل صورت می گیرد. اصل تقرر بیان می دارد که پدیده ها توسط رشته ای از رفتارها، پارادایم ها یا اعمال انجام شده از جانب فاعل شناخت مقرر شده یا بوجود می آیند. بعبارت دیگر، سوژگی (فاعلیت) منجر به شکل گیری جهانی پدیدار شناسانه (پدیداری) در فرایند شناخت همان جهان می شود. وقتی دو پارادایم قیاس ناپذیر بنظر می آید، ناشی از منظر مقایسه بوده و ادغام نافرجام دو پارادایم امری پدیداری است نه امری تجربی. اصل تقرر به ما نشان می دهد پدیده هایی که بنظر چیزهایی ضد و نقیض می آیند، در واقع تجارب مختلف اما کاملاً سازگاری هستند که با عملکردهای مختلف بوجود آمده اند. (گل پرور، ۱۳۹۶)

چارک ها: روش شناختی انتگرال مدعی وجود هشت روش، پارادایم یا قلمرو بنیادی وضع و تقرر پدیدهاست. در مجموع این هشت روش تحت عنوان چارک ها شناخته می شوند که چهار وجه غیر قابل فروکاستن هر موقعیت را نشان می دهد. چارک ها در کنار هم نشان دهنده ساحت های درونی و بیرونی فردی و جمعی است که پژوهش حاضر از توجه به این چارک ها به الگوی مورد بحث خود می رسد. در هر نظام زبانی، این ساحت ها در ضمائر بکار گرفته شده اول، دوم و سوم شخص متجلی می شود «من» به ساحت درونی بیناذهنی یا حوزه ی فرهنگی، «آن» به ساحت بیرونی عینی یا حوزه رفتاری و «آنها» به ساحت بیرونی بیناعینی یا حوزه یاجتماعی اشاره دارد.

چپ بالا	راست بالا
درونی - فردی تجارب من	بیرونی - فردی رفتار آن
ما درونی - جمعی فرهنگ ها	آنها بیرونی - جمعی سیستم ها

چپ پایین

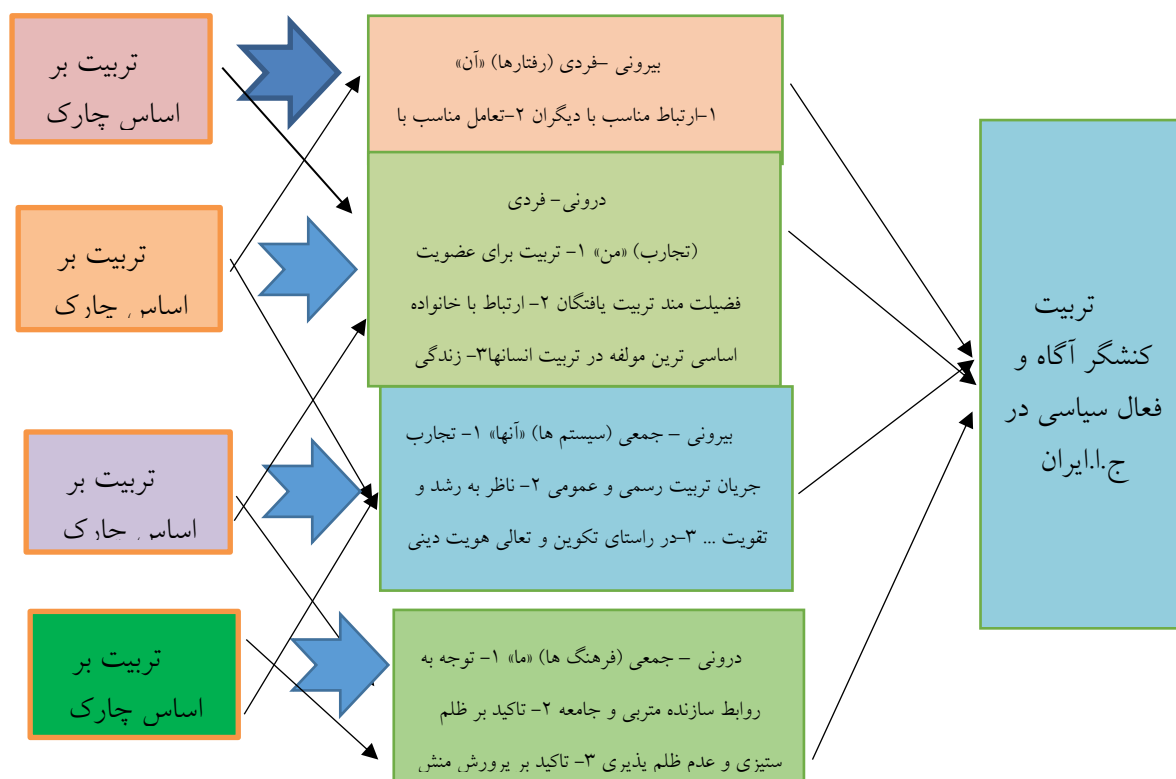
راست پایین

شکل یک - چهارچارک

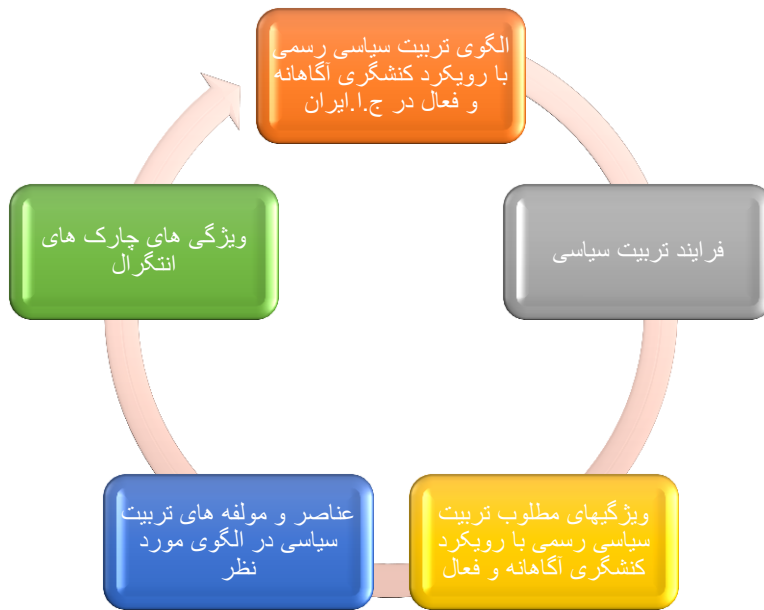
Wilber(2006).courtesy integral institute: منبع

## ۶- مدل مفهومی

در یک الگو باید یک مدل مفهومی وجود داشته باشد تا روابط بین متغیرها را نشان دهد به مثابه نقشه یک راه تا هدف مورد نظر الگو را تحقق بخشد. در مدل مفهومی پیش رو نشان خواهیم داد که هر کدام از چارک‌ها مولفه‌ها و شاخص‌ها خود و ارتباط بین این مولفه‌ها چگونه می‌تواند الگوی مورد نظر را به هدف خود که تربیت کنشگران آگاه و فعال در ج.ا.ایران می‌باشد رهنمون سازد. در مدل مفهومی که در شکل ۱ به آن پرداخته شده می‌توان روابط متغیرها در جهت رسیدن به هدف مورد نظر را بررسی کرد.



شکل ۱: مدل مفهومی تربیت سیاسی رسمی با رویکرد تربیت کنشگران آگاه و فعال در ج.ا.ایران



شکل ۲: فرایند تربیت سیاسی

## ۷- مبانی و شاخصه‌های تربیت سیاسی و کنشگری آگاهانه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران:

-تربیت سیاسی به‌عنوان بخش مهمی از تربیت اجتماعی و سیاسی و جریان تربیت رسمی و عمومی قصد کسب شایستگی‌هایی را دارد که عوامل دخیل در این پدیده را قادر می‌سازد تا با تربیت سیاسی به کنشگران آگاه و فعال تبدیل شوند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به‌صورت فعال مشارکت داشته باشند. در چنین بستر تربیتی؛ ارتباط مناسب با دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان)، تعامل قابل قبول با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی (رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، احترام به ارزش‌های اجتماعی)، تحصیل دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی، همدلی، صبوری، درک و فهم اجتماعی، درک و فهم سیاسی، درک و تعامل میان فرهنگی، عدالت اجتماعی، حفظ وحدت و تفاهم، تفاهم بین‌المللی، قابلیت‌های زبان ملی، محلی و جهانی موردتوجه خاصی قرار گرفته است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰)

-مبانی امت واحده، خلافت الهی انسان و هدایت و اصول آزادی توأم با مسئولیت؛ برابری خلقت؛ اعمال

حاکمیت الهی؛ مسئولیت؛ آشنایی با حقوق فردی؛ عدالت؛ ظلم‌زدایی و نفی سلطه بیگانه و استبداد نمونه‌هایی از اهتمام به تربیت سیاسی از دیدگاه اسلامی است. (جراحی دربان، بابازاده و رود مقدس، ۱۳۹۳). قانون مداری در حکومت، مردم‌گرایی، تقدم ارزش‌ها، صراحت در گفتار و رفتار و عدالت محوری برای تحقق اهداف الهی در سیره سیاسی حضرت علی (ع) نیز معرف اهتمام ویژه آن حضرت به تربیت سیاسی است. (رهنما، سبحانی نژاد و علیین، ۱۳۸۷)

-نظام آموزشی نقش مؤثری در تحولات اجتماعی و سیاسی دارد و می‌تواند متضمن بقا یا اضمحلال نظام سیاسی و اجتماعی باشد. تربیت اجتماعی و سیاسی با توسعه توانمندی‌های شهروندی ارتباط دارد و اهداف آن الزاماً در ارتباط با انتظارات اعضای جوامع و ملت‌های خاص، مشخص می‌شود؛ چون آن‌ها دانش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های همراه با مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی را انتقال می‌دهند (محمدی پویا، صالحی و مومیوند، ۱۳۹۴)

-دموکراسی بر اساس نظریه کنش ارتباطی یعنی همه‌چیز «در درون» و «از طریق» تعامل اجتماعی یعنی از طریق کنشی انجام شود که واقعاً «در جهت رسیدن به تفاهم» است. دموکراسی را فرآیند یادگیری مشترک باید تلقی کرد. به عبارت دیگر دموکراسی یعنی عبور دادن تصمیم‌های سیاسی از درون کنش‌های ارتباطی معطوف به رسیدن به منافع مشترک که در حقیقت به ارزش‌های مشترک زبانی شده در فرایند کنش ارتباطی، تبدیل شده است. تنها از این طریق می‌توان سیستم را به جهان زیست استعمار نشده برگرداند و نمک عقلانیت فرهنگی را بر روی آن افزود و از این طریق تعادل و تکامل جامعه را تضمین نمود؛ و به سمت رهایی تاریخی قدم گذاشت (پیوزی؛ ۱۳۷۸: ۶۵ - ۱۶۴).

با این مقدمه اکنون ادعا این است که آموزه‌های وحیانی قرآنی اشارات مهمی بر این دیدگاه دارد. بر اساس این آموزه‌ها، حوزه سیاست و عقلانیت سیاسی حاکم بر آن حوزه، با تمایلات ذاتی موجود در آن، که نشانگر علاقه‌مندی به کسب منافع یک‌سویه بی‌رویه است و نتیجه‌اش گسترش فساد اجتماعی از ابعاد مختلف و شکل‌گیری بحران اجتماعی است، تنها از طریق رو آوردن به اصل «مشورت» در مسیر آرمانی و مطلوب قرار می‌گیرد. استدلال خواهیم کرد که تکیه قرآن بر اصل «مشورت» در امور دنیوی (سیاسی - اجتماعی و ...) دلالت‌های قابل توجهی برای نظریه‌پردازی اجتماعی مبتنی بر کنش ارتباطی خواهد داشت.

تقدیم این نکته ضروری است که توجه قرآنی به مسئله تعامل فرهنگ و سیاست و تلاش برای بازسازی نظریه کنش ارتباطی با بهره‌گیری از آن، با این ادعا صورت می‌گیرد که قرآن متصدی راهنمایی انسان‌های قرار

گرفته در متن زندگی دنیوی با خصلت‌های متغیر اجتماعی و تاریخی. این راهنمایی به‌وسیله آن‌چنان خدایی صورت می‌گیرد که دوگانگی زندگی انسان در روی زمین را که نیازمند برآوری منافع فردی اما به صورتی اجتماعی و در فرایند ارتباطی - بین‌الذهانی است، به رسمیت شناخته است و انسان را با چنین وضعیتی تکوین کرده و هماهنگ با تکوین در عرصه تشریح نیز توصیه‌هایی ارائه کرده است. ورود قرآن به بحث درباره امور دنیوی در کنار بحث‌های اساسی درباره زندگی صد در صد معنوی نیز از همین ضرورت راهنمایی انسان برای تنظیم بهینه زندگی دنیوی قابل توجیه است. این‌گونه است که آیات زیادی در قرآن درباره دنیا، ثروت، تجارت و معامله، ملک و سلطنت، شورا و مشورت، تاریخ و قصه اقوام و ملل، پادشاهان و صدها مفهوم دیگر ذاتاً دنیوی، وارد شده است.

#### ۸- مؤلفه‌های مدل و الگوی نظری تربیت سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران

منظور از الگوی نظری «طرح‌واره مفهومی نظام‌مندی است، متشکل از عناصر مربوط به جریان تربیت و روابط میان آن‌ها که پاسخ‌های مستدل و عامی را برای هدایت مربیان در عمل تربیتی فراهم می‌آورد». هر الگوی نظری شامل چهار دسته مؤلفه است: (۱) حدود؛ (۲) قلمرو؛ (۳) رویکرد؛ (۴) اصول. بنابراین در الگوسازی تربیت سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران ابتدا مؤلفه‌های چهارگانه فوق ارائه در چارک‌های راست بالا، بیرونی - فردی (رفتارها «آن»)، چپ بالا، درونی - فردی (تجارب «من»)، راست پایین، بیرونی - جمعی (سیستم‌ها «آنها») و چپ پایین، درونی - جمعی (فرهنگها «ما») قرار می‌دهیم:

۸-۱- حدود ساحت الگوی تربیت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران: چارک راست پایین - بیرونی - جمعی (سیستم‌ها «آنها»)

- بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی

- ناظر به رشد و تقویت مرتبه قابل قبولی از جنبه دینی و اخلاقی حیات طیبه در وجود آموزش‌گیرندگان  
 - دربرگیرنده کلیه تدابیر و اقدامات به‌منظور ارتقا ایمان و پیروی آگاهانه و اختیاری آموزش‌گیرندگان نسبت به ارزش‌ها، باورها، اعمال و صفات اعتقادی عبادی و اخلاق  
 - در راستای توسعه و تعالی هویت دینی و اخلاقی متربیان  
 - ناظر به کسب شایستگی‌های تبدیل آموزش‌گیرندگان به شهروندانی فعال و آگاه  
 - متربیان دخیل در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی

- ۲-۸- گستره‌ی (قلمرو) الگوی تربیت سیاسی: چارک راست بالا - بیرونی - فردی (رفتارها «آن»)  
 - ارتباط درخور با دیگران (اعضای خانواده، دوستان، فامیل، همسایگان همکاران و...)  
 - تعامل مناسب با دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی  
 - تبعیت و تمکین از قانون، مشارکت اجتماعی و سیاسی، مسئولیت‌پذیری، احترام به ارزش‌های اجتماعی  
 - تحصیل دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی  
 - روا‌داری (تساهل و تسامح)، درک و فهم اجتماعی، وفاق و همدلی، صبوری، فهم سیاسی عدالت اجتماعی
- تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین‌المللی  
 - حفظ وحدت و تفاهم  
 - قابلیت‌های زبان ملی (فارسی) محلی، جهانی (عربی انگلیسی و...)
- ۳-۸- ره‌یافت (رویگرد) تربیت سیاسی: چارک چپ بالا - درونی - فردی (تجارب «من»)  
 - تربیت برای عضویت فضیلت‌محور تربیت‌شدگان در «خانواده صالح و جامعه صالح»  
 - ارتباط با خانواده یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ارتباط در شکل‌گیری بنیادهای هویت انسان‌ها  
 - زندگی خانوادگی، آمادگی برای آن و شکل‌گیری و ادامه یافتن این شکل از زندگی اجتماعی از مؤلفه‌ای اصلی تربیت اجتماعی
- توجه تربیت رسمی و عمومی به نقش‌های جنسیتی مانند نقش پدری و نقش مادری  
 - پدید آوردن آمادگی برای حضور در جامعه صالح، به لحاظ اهمیت کلیدی واژه شهروندی  
 - مشکلاتی هم که در حوزه اجتماعی در کشورمان شکل می‌گیرند ضرورت بازاندیشی در تربیت شهروندی را بیش از پیش نمایان می‌سازند.
- تربیت شهروندان خوب، دغدغه بیشتر نظام‌های تربیتی در کشورهای دنیا  
 - توجه به روابط سازنده آموزش‌گیرنده و جامعه
- ۴-۸- اصول حاکم بر الگوی تربیت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران: چارک چپ پایین - درونی - جمعی - (فرهنگ‌ها «ما»)  
 - موردنظر قرار گرفتن فردیت متمایز و متمایز آدمی آموزش‌گیرنده و جامعه  
 - توجه به شایستگی‌های اساسی برای مشارکت فعال (عمل آگاهانه و آزادانه) آموزش‌گیرندگان در زندگی



خانوادگی، مدرسه‌ای، اجتماعی و سیاسی (مدیریت زندگی فردی و اجتماعی)  
-توجه به شایستگی‌های پایه لازم برای شکل‌گیری خانواده صالح همانند مؤلفه اساسی و تداوم‌بخش حیات جامعه صالح

-گزینشی به دامنه سنت‌های اجتماعی در بستر فرهنگ و روابط خانوادگی و اجتماعی  
-اصول تعیین‌کننده در زمینه الگوی تربیت سیاسی  
-تأکید بر ظلم‌ستیزی و عدم ظلم‌پذیری  
-تأکید بر تحمل دیدگاه‌های مخالف و خرده‌فرهنگ‌ها در سطح ملی و جهانی  
-توجه به میراث ادبیات فارسی به منظور انتقال ارزش‌های اصیل اخلاقی  
-نفی کردن تفکیک سکولار میان دین و سیاست، اختیار، حق و تکلیف و وظیفه و کار و عبادت  
-تأکید بر هویت مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) برای تقویت وحدت ملی و انسجام اجتماعی  
-تأکید بر قانونمندی و قانون‌مداری (قبول قانون اساسی کشور همانند میثاق ملی)  
-تأکید بر پرورش منش آزادگی در هویت آموزش‌گیرندگان  
-تدارک دیدن زمینه خروج آموزش‌گیرنده از خودمحوری، خودکامگی و استبداد  
-توجه به حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی به صورت دو عنصر مکمل  
-توجه به بازیابی و نقد پیوسته موقعیت خود و دیگران و اقدام برای اصلاح و بهبود مداوم آن  
-تأکید بر اصل پذیرش ولایت رهبران الهی و تولد (دوستی و مودت با دوستان خدا) و تبرأ (دشمنی با دشمنان راه خدا)

-تأکید بر رسالت جهانی و مسئولیت بشری و توسعه عدالت در جهان  
-توجه به میراث ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی در راستای ایجاد هویت مشترک ایرانی و اسلامی

## ۹-مدل‌سازی تربیت سیاسی رسمی بر اساس کنشگری آگاهانه در جمهوری اسلامی ایران:

برای مدل‌سازی الگوی تربیت سیاسی رسمی در جمهوری اسلامی ایران از مؤلفه‌های مذکور و مبانی منتج شده می‌بایست به موارد ذیل اشاره کنیم:  
-مدل پیشنهادی می‌تواند به منزله چارچوب نظری استواری برای نقد، اصلاح و تحول اساسی نظام تربیتی

جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد. افزون بر این، به نظر می‌رسد بخش نخست این مجموعه (فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران) نیز به‌خوبی می‌تواند برای تحول اساسی مورد نظر در دیگر بخش‌های نظام تربیت رسمی و غیررسمی - در همه سطوح و مؤلفه‌ها - سودمند واقع شود و به لحاظ مفهومی نیز ارتباطی منطقی را بین همه انواع تربیت و میان نظام‌های تربیت رسمی با نهاد های تربیت غیررسمی در کشور ما ایجاد نماید.

- در مدل پیشنهادی فلسفه تربیت سیاسی در جمهوری اسلامی مبتنی بر کنشگری آگاهانه، مبانی و اهداف حکومت دینی و تربیت سیاسی به شرح ذیل تدوین شده است:

- هدف حکومت اسلامی زمینه‌سازی برای تحقق حیات طیبه است.

- در حکومت اسلامی، مجموعه نهاد های فرهنگی کشور باید به‌صورت هماهنگ در چارچوب سیاست‌های کلان کشور و سیاست‌های کلی بخش فرهنگ (مصوب مقام رهبری) عمل کنند.

- تربیت شایسته عموم مردم به لحاظ حاکمیت اصل مردم‌سالاری دینی هدف و راهکار اصلی حفظ و تداوم نظام سیاسی مطلوب به شمار می‌آید.

- در حکومت اسلامی، پیشرفت جامعه وسیله‌ای برای بسط هماهنگ و متعادل ظرفیت‌های وجودی افراد و تعالی تجارب متراکم جامعه در جهت تحقق حیات طیبه می‌باشد.

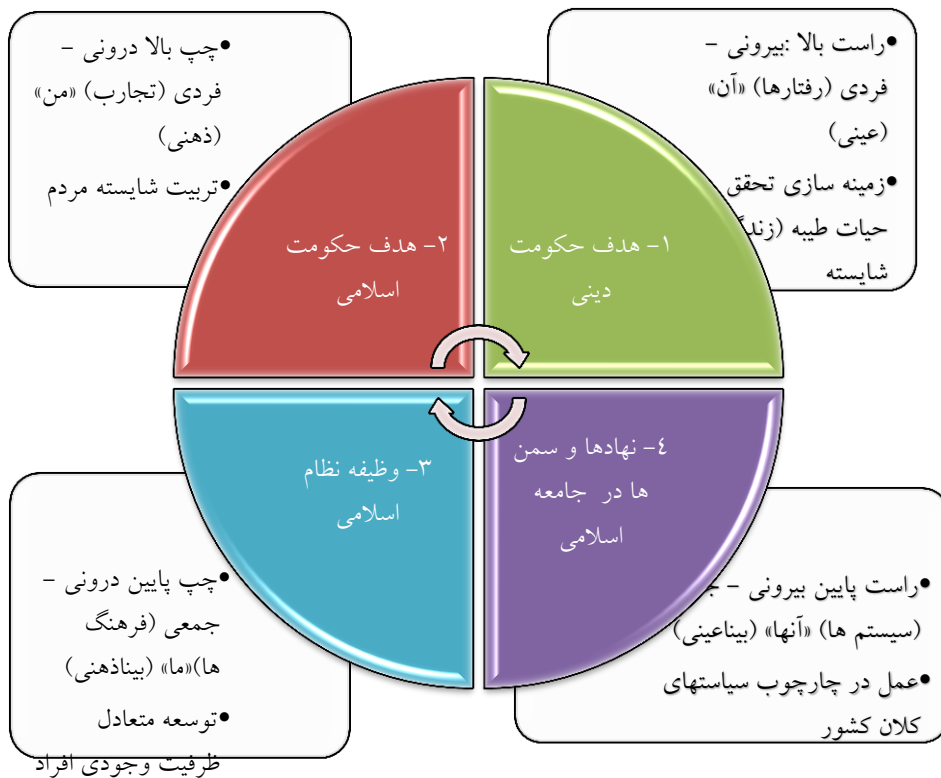
- جهت‌گیری تربیتی در حکومت اسلامی، یکی از اولویت‌های اساسی نهاد های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی به شمار می‌رود.

- در نهایت تمدن‌سازی در زمینه مواجهه با مظاهر مدرنیته، جهت‌گیری مختار و برگزیده می‌باشد.

در مدل‌سازی تربیت سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر مباحث فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران (مبانی، چیستی، چرایی و چگونگی تربیت)، برخی از گزاره‌های مقبول در مباحث سیاسی، حقوقی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نیز به اقتضای ماهیت این نوع تربیت به‌عنوان مبانی تربیت رسمی و عمومی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در نمودار اول؛ نسبت مبانی تربیت سیاسی باهم بیان شده است. چنانچه ملاحظه می‌کنیم قالب مبانی را نهاد های حکومتی و سیاسی تشکیل می‌دهند (دایره مرکزی) که به شکل منسجم و از کلان به خرد سازمان یافته‌اند. به تعبیر دیگر ساختار سیاسی به‌گونه‌ای تنظیم شده که بتواند با در هم آمیختگی و یکپارچه سازی چهار چارک راست بالا بیرونی - فردی - رفتارها «آن»، چپ بالا درونی - فردی - تجارب «من»، راست پایین

بیرونی - جمعی - سیستم ها «آنها» و چپ پایین درونی - جمعی - فرهنگ ها «ما» به عنوان یک ابزار در جهت تحقق تربیت کنشگران آگاه و فعال برای تحقق حیات طیبه (هدف برپایی حکومت دینی) کارساز باشد. از طرفی وظیفه هر یک از ساختارهای حکومتی، محتوای تربیتی دارد. طبق این مدل، هدف حکومت دینی، تحقق زندگی شایسته مطابق با معیار و هدف حکومت اسلامی، تربیت شایسته مردم مطابق با نظام معیار اسلامی و وظیفه نهادها و نظام اسلامی جهت گیری تربیتی با رویکرد تمدن سازی است. توجه به نمودار دوم نیز به خوبی این مهم را نشان می دهد که هدف از تشکیل حکومت دینی، تربیت و هدایت شایسته مردم بوده که در نهایت منجر به تمدن سازی می شود.



نمودار ۱: ادغام و یکپارچه سازی مبانی تربیت سیاسی



نمودار (۲)؛ بایسته‌های تربیت سیاسی مبتنی بر کنشگری آگاهانه در جمهوری اسلامی ایران

بنابراین تکوین و تعالی پیوسته هویت آموزش‌گیرندگان به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود و دیگران در هستی را به صحت درک و آن را به‌طور مستمر با عمل صالح فردی و جمعی همسو با نظام معیار اسلامی تصحیح کند. لذا با توجه به روند تکوین و تحول هویت، لازم است آموزش‌گیرندگان نخست مجموعه‌ای از شایستگی‌های لازم را کسب نمایند. بنابراین، شایستگی‌های لازم، بیان تفصیل یافته‌ای از همان هدف کلی فرایند تربیت به شمار می‌روند که آن‌ها را می‌توان بر اساس انواع تربیت، اهداف متنوع فرایند تربیت مورد اشاره قرار داد و به این باور قلبی رسید که آموزش‌گیرندگان با توجه به آن‌ها و تلاش برای به دست آوردن این صفات و توانایی‌ها، به تحقق هدف کلی فرایند تربیت و نتیجه آن نیل خواهند کرد.

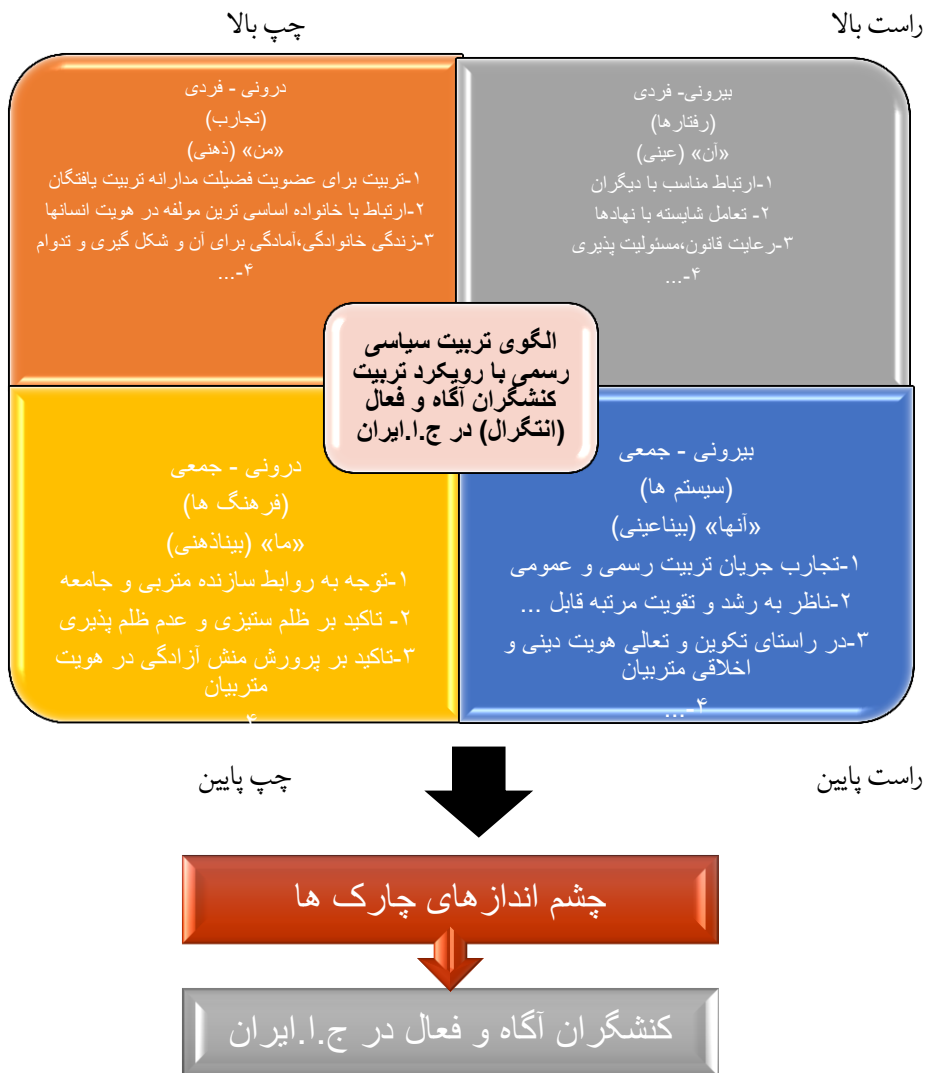
افزون بر مباحث فوق باید توجه داشته باشیم که مهم‌ترین اندیشه حاکم بر نظام تربیتی جمهوری اسلامی ایران، ریشه در اندیشه اسلامی دارد که هستی مراتبی بی‌انتهای دارد و انسان در دایره هستی موجودی ناتمام و در مسیر رسیدن به کمال در نظر گرفته می‌شود. اصل تأسیس جامعه اسلامی مقاصد و اهداف ویژه‌ای است که در دیدگاه اسلامی تعریف شده و به منزله غایت، رسالت و فلسفه دین مورد اشاره قرار می‌گیرد. فلسفه دین به فلسفه انقلاب دینی، سپس به فلسفه حکومت دینی و در نهایت به فلسفه شکل دادن نهادهای اجتماعی و اقدامات مربوط به آن گسترش پیدا می‌کند. لذا هدف از تشکیل حکومت اسلامی، متناسب با هدف دین، زمینه‌سازی برای تحقق حیات طیبه است، نه دولت رفاه. تأمین رفاه «زمینه‌ساز تحقق حیات طیبه» بنابراین، دولت اسلامی، حکومت هدف اصلی دولت اسلامی به شمار نمی‌رود، بلکه هدف کلیدی آن فراهم کردن زمینه برای نیل به حیات طیبه است و هرچند با عنایت به نقش حرکت آگاهانه و اختیاری افراد جامعه در تحقق حیات طیبه، دولت اسلامی بیش از هر موضوع بر تربیت افراد جامعه تمرکز می‌کند؛ درعین حال، از آنجاکه تأمین رفاه و امنیت و مانند این‌ها بر موفقیت هدایت و تربیت آحاد مردم تأثیر آشکار دارد، دولت زمینه‌ساز تحقق حیات طیبه نیز موظف است به تأمین رفاه و امنیت مردم، همچون مقدمه‌ای برای تحقق حیات طیبه همت گمارد.



شکل: اهداف تربیت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

## بحث و استدلال

نتیجه بحث و استدلال در این پژوهش آن است که علیرغم اینکه تربیت سیاسی از قدیم مورد توجه بوده و موضوع جدیدی نمی باشد، اما با توجه به پیچیدگی های روز افزون عصر حاضر و تراکم مناسبات و رقابت های سیاسی از یک سو و فهم این مناسبات بسیار پیچیده از طرف شهروندان و تصمیم گیران و رهبران از سوی دیگر ضرورت بازبینی در الگوهای تربیت سیاسی رسمی و دستیابی به الگوهای نوین متناسب تجارب تاریخی و موقعیت های خاص هر کشور و هر محدوده فرهنگی از جانب دولت ها را آشکار می سازد. از این رو پژوهش حاضر در پاسخ به سوال اصلی خود که درباره مولفه ها و ویژگی های الگوی تربیت سیاسی متناسب با کشور ما می باشد، به این نتیجه رسیده است که رویکردهای مکاتب بحث شده از جمله کلاسیک، مدرن یا اسلامی از یک یا دو و نهایتاً سه منظر می توانستند به امر تربیت سیاسی پردازند لذا قادر به آفرینش کنشگر آگاه و فعال سیاسی هدف مورد نظر پژوهش ما نمی باشند. الگو ارائه شده در پژوهش می تواند هم زمان چهارچارک بیرونی (عینی)، درونی (ذهنی)، فردی جمعی، بینذهنی و بیناعینی که دربرگیرنده تمام مولفه های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... جامعه و انسانها می باشند را در نظر داشته و به علت ویژگی اصل یکپارچه ساز که شامل اصل عدم طرد، اصل پوشش و در برگیرندگی، اصل تقرر و تصویب در روش انتگرال است، با ادغام و اعمال مولفه های چارچوب مذکور، رسیدن به هدف خود که الگوی تربیت سیاسی رسمی با رویکرد تربیت کنگشگران آگاه و فعال در ج.ا.ایران است را فراهم سازد.



الگوی تربیت سیاسی رسمی با رویکرد تربیت کنشگران آگاه و فعال سیاسی در ج.ا.ایران

فهرست منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹)، النجاه من الغرق فی البحر الضلالت، (ویرایش و مقدمه محمدتقی دانش پڑوه)، چاپ ۲، تهران: دانشگاه تهران.

ارسطو (۱۳۷۸)، (ترجمه حمید عنایت)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

افلاطون (۱۳۸۶)، جمهور، (ترجمه: فواد روحانی)، ویرایش ۸، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

الفارابی، ابونصر (۱۴۰۵ق)، الجمع بین رأی الحکیمین، قدم له و علق علیه الدكتور البیرنصری نادر، ایران: المکتبه الزهراء.

پولادی، کمال (۱۳۸۳)، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، از سقراط تا ماکیاولی، کتاب اول، تهران: نشر مرکز.

پیوزی، مایکل (۱۳۷۸). یورگن هابرماس، ترجمه احمد تدین، نشر هرمس، تهران.

جراحی دربان، مهدی؛ مجید بابازاده؛ رمضانعلی رودمقدس، (۱۳۹۳) مبانی، اصول و روش های تربیت

سیاسی در اسلام از منظر قرآن، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۳۱، زمستان.

حبیبی، آرش؛ جلال نیا، راحله (۱۴۰۱). کتاب پدیدارشناسی. تهران: انتشارات نارون.

درودی، مسعود (۱۳۹۵) بررسی چند مدل سیاست فرهنگی در حوزه آموزش عالی، فصلنامه مطالعات

راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۰، پائیز

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

دوورژه، موریس (۱۳۷۷)، اصول علم سیاست، (ترجمه دکتر ابوالفضل قاضی شریعت پناهی)،

تهران: نشر دادگستر.

ردهد، بریایان (۱۳۷۵)، اندیشه سیاسی از افلاطون تا ناتو، (ترجمه مرتضی کاخی و اکبر

افسری)، تهران: نشر نقش جهان.

رهنما، اکبر، مهدی سبحانی نژاد و حمید علین (۱۳۷۸)، اصول و روش های تربیت سیاسی از منظر امام

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰.

شفیعی قهفرخی، امید (۱۳۹۰)، «سیاست در سپهر سعادت

رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷، تربیت سیاسی: چیستی، آسیب ها و راهکارها، قم: جامعه المصطفی



العالمیه راه تربیت، سال دوم، شماره پنجم.

عالم، عبدالرحمان (۱۳۹۴)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی

علی (ع) در نهج البلاغه، دانشور رفتار، سال پانزدهم شهریور ۱۳۸۷ شماره ۳۰.

فوس، کلینت (۱۴۰۱)، بسوی معرفت شناسی انتگرال، ترجمه مجید گل پرور

گروه نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴، هفتم، ج ۱،

محمدی پویا، فرامرز؛ صالحی، اکبر؛ مومیوند، فاطمه، (۱۳۹۴) تحلیل محتوای نهج البلاغه بر اساس

ساحت های شش گانه؛ پژوهشنامه نهج البلاغه. تابستان، شماره ۱۰

موسوی الیگودرزی، سید مهدی (۱۳۸۷) درآمدی بر تربیت سیاسی از دیدگاه قرآن کریم، راه تربیت

۱۳۸۷ شماره ۵ ویژه نامه تربیت سیاسی

میراحمدی، منصور (۱۳۸۷) اصول و مبانی تربیت سیاسی در متون و منابع دینی. راه تربیت شماره ۵ ویژه

نامه تربیت سیاسی.

نظام الملک طوسی، ابوعلی (۱۳۸۶)، سیاست نامه (سیرالملوک)، (مصصح عزیزالله علیزاده)، تهران:

فردوس.

نقیب زاده، احمد؛ فاضلی، حبیب الله، ۱۳۸۵، درآمدی بر پدیدارشناسی به مثابه روش علمی، پژوهش

نامه علوم سیاسی، سال اول، شماره ۲ صص ۵۴-۳۰.

هابز، توماس (۱۳۸۰)، لویاتان، (ترجمه حسین بشیریه)، تهران: نشر نی.